

مدرسه فمینیستی: جمعی از فعالان جنبش زنان در داخل کشور با انتشار بیانیه ای به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، این روز را گرامی داشتند. در این بیانیه، فعالان جنبش زنان نسبت به گسترش ابعاد خشونت علیه زنان در ایران ابراز نگرانی کرده اند و سیاست های تنش آفرین و تخصیصی در سطح داخلی و جهانی را مورد نقد قرار داده اند. در میان امضاء کنندگان این بیانیه فعالان زن از طیف های مختلف فکری دیده می شود، زنانی همچون: مینو مرتاضی، شهلا لاهیجی، فخرالسادات محتشمی پور، رخشان بنی اعتماد، فرزانه طاهری، فیروزه صابر، فریده ماشینی، الهه مجردی، نوشین احمدی خراسانی، نرگس محمدی، ژیلا بنی یعقوب، فاطمه گوارایی، طاهره طالقانی، بنفشه حجازی، شهربانو امانی، ناهید توسلی، معصومه دهقان و...

متن کامل این بیانیه را در زیر می خوانید:

«پروانه های فراموش نشدنی» نهضت مقاومت زنان در ایران

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان بزرگداشت روز گذشته شدن «پروانه های فراموش نشدنی» کشور دومینیک است، یعنی سه خواهر میرابل که در نهضت مقاومت کشورشان در مبارزه با دیکتاتوری جان خود را از دست دادند و همین واقعه دلخراش سازمان ملل را بر آن داشت که روزی را برای یکپارچه کردن روند مبارزات جهانی با خشونت علیه زنان اعلام کند. ما زنان ایرانی نیز در نهضت مقاومت مسالمت آمیز مدنی سرزمین خود «پروانه های فراموش نشدنی» بسیاری داریم: از «پروانه اسکندری» تا «پروانه صلح» هاله سحابی و پروانه نسل امروز «ندا آقاسلطان» و... که همگی قربانی خشونت شده اند که امروز آتش آن بیش از همیشه زبانه می کشد.

نزدیک به دو دهه از مبارزه و مقابله با خشونت در میان فعالان زن ایرانی می گذرد، اما متأسفانه نه تنها شاهد اراده جدی دولتمردان کشور برای کاهش خشونت علیه زنان نبوده ایم، بلکه با اجرای سیاست های نابخردانه و مردسالارانه، «خشونت خانگی علیه زنان» گاه به حوزه قانون نیز تسری یافته و به «خشونت قانونی علیه زنان» تبدیل شده است. برای نمونه، در حالی که روند فزاینده تجاوز جنسی و قتل زنان می بایست دستاویزی برای وضع قوانین حمایت کننده از زنان قربانی خشونت جنسی قرار گیرد، متأسفانه خشونت های کلامی علیه زنان از سوی برخی از مسئولان کشور گسترش می یابد و بی اخلاقی و خشونت نسبت به زنان در جامعه توجیه و به آن دامن زده می شود. گویی دولتمردان به جای اینکه با نقد روش های ناکارآمد خود در احقاق حقوق شهروندان کوشا باشند، ترجیح می دهند زنان را باعث و بانی گرفتاری ها و مشکلات مملکت بدانند و برای اثبات باورشان ترجیح می دهند به عوض رفع نابسامانی ها و تبعیض های حقوقی زنان در قوانین خانواده، همچنان زنان را در نبود حداقل حقوق خود از جمله «حق طلاق» در موقعیتی دردناک قرار دهند به طوری که راهی به جز بازتولید خشونت علیه خود و همسرانشان نیابند. برنامه ریزان اقتصادی مملکت به عوض آنکه برای کاهش دادن و نهایتاً حل معضل خودفروشی و پایین آمدن سن فحشا، که ناشی از گسترش فقر و اجبار اعتیاد است، در صدد ایجاد سیستم های حمایتی برآیند، کارآفرینی و ایجاد فرصت های شغلی بیشتر برای زنان را در اولویت قرار دهند، و به تخصیص عادلانه و فراجنسیتی منابع و فرصت های اشتغال بین شهروندان بیندیشند، متأسفانه با نحوه سیاست گذاری و تخصیص منابع کشور موجب به حاشیه راندن هرچه بیشتر زنان از بازار کار و محرومیت آنان از امکان تامین معیشت شرافتمندانه می شوند.

با شاهدیم که برخی از مسئولان، به جای ارائه راه حل های بنیادی در جهت رفع میانی خشونت ها و مشکلات گسترده اقتصادی و اجتماعی علیه زنان، با برخوردی سطحی و شکلی «لباس زنان» را به معضل و دستاویزی برای اعمال خشونت های بیشتر علیه زنان تبدیل کرده اند.

متأسفانه این روش ها و سیاست های نادرست نه تنها خشونت علیه زنان را به پنهان ترین زوایای زندگی فردی و اجتماعی زنان گسترش داده که سایه شومش را بر زندگی کودکان بی گناه و بی پناه که آسیب پذیرترین گروه های جامعه هستند نیز گسترانیده و پیشاپیش نسل آینده را نیز در معرض سقوط و اضمحلال قرار داده است. شعله های سوزان این خشونت ها که قلب سرزمین ما را در آتش خود می سوزاند از یک سو در تفکیک جنسیتی،

نابرابری و جدایی قهرآمیز زنان و مردان در دانشگاه‌ها و عرصه‌های عمومی زیانه می‌کشد، و از سوی دیگر در تفکیک و جدایی قهرآمیز فرهنگ و سرزمین‌مان از جامعه جهانی خود را به رخ جهانیان می‌کشد. گویی رجحان سیاست «جدایی و تفکیک»-- که قهر و خشونت را در درون خود بازتولید می‌کند-- بر سیاست «تعامل و گفتگو»-- که در بطن خود مدارا و مسالمت را حمل می‌کند-- بیش از پیش بر نظام اندیشه و تصمیم‌سازی‌های «سیاست-مردان» ما جا خوش کرده است. آنان زنان را از مردان جدا می‌سازند به نیت اینکه به «گناه» آلوده نشوند، فارغ از اینکه در تعامل و ارتباطی شفاف و برابر میان انسان‌هاست که روابط انسانی و اخلاقی دست-یافتنی و شکوفا می‌شود. از سوی دیگر، مردمان ساکن سرزمین ایران را از جهانیان مجزا می‌کنند به نیت اینکه به «فرهنگ جهانی» آلوده نشوند، فارغ از اینکه در سایه مدارا، تعامل و ارتباط با «دیگری» است که فرهنگ «خودی» بالنده و پویا می‌گردد. اما امروزه قطبی شدن هرچه بیشتر گفتمان‌های سیاسی داخلی و جهانی و دامن زدن برخی دولتمردان ایرانی به چنین فضای تنش‌زایی، نه تنها مسائل و مشکلات زنان ایران را بیش از پیش به حاشیه می‌راند، بلکه ابعاد خشونت بر زنان و کودکان را نیز گسترده‌تر می‌کند.

در مواجهه با چنین وضعیتی است که ما، جمعی از کنشگران جنبش زنان در ایران، بیش از هر زمان دیگر دل‌نگران افزایش اعمال انواع و اقسام خشونت بر زنان و کودکان هستیم، چرا که به نظر می‌رسد فضای دوقطبی و خصمانه ناشی از بن‌بست سیاست‌های تنش‌آفرین و خشونت‌زای دولت-مردان در سطح ملی و جهانی، خطر برخوردهای قهرآمیز و، به تبع آن، گسترش خشونت علیه زنان و کودکان را تا عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی و سیاسی و خانوادگی امروز و فردای ایران زمین دامن می‌زند.

به گمان ما، در فضای کنونی، سه نیروی عمده و استراتژیک قادرند به تعدیل این فضای خصمانه و دوقطبی یاری رسانند: گروه‌های گوناگون مردم در ایران، دولت حاکم بر ایران و جامعه جهانی. در این سه نیروی موجود و تاثیرگذار در آینده ایران، هم پتانسیل خشونت و هم ظرفیت «مذاکره و گفتگو» توأمان وجود دارد. از این روست که ما زنان، به مناسبت فرا رسیدن «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان»، از همه «مردان سیاست» می-خواهیم که به ندا و هشدارهای ما زنان نیز گوش فرادهند و به جای گسترش قطب‌بندی‌های تخصصی و خشونت‌آمیز، بر تقویت ابزار و پتانسیل‌های گفتگو و مذاکره در هر سه این نیروها تکیه کنند. بی‌شک برای این کار لازم است که از گفتمان‌های دوقطبی و متکی بر «حقانیت / عدم حقانیت» و یا ارزش‌های دوتایی (جبهه حق و باطل) فاصله بگیریم و بر گفتمان «آشتی و مذاکره و گفتگو در سطح ملی و نیز در سطح جهانی» پای فشاریم. و از همین‌رو امیدواریم گره کور بحران پیچیده کنونی از طریق شناسایی و بهره‌بردن از امکانات مذاکره و گفتگوی متقابل بین این سه نیرو گشوده شود. چرا که ما باور داریم راه‌حل نهایی مشکلات و بن‌بست‌های موجود پرهیز از دامن زدن به فضای خصمانه و خشونت‌آمیز، احترام به حقوق شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان، پذیرش گفتگو و مذاکره میان مسئولان حکومتی با جامعه جهانی در پیشگاه افکار عمومی، پذیرش هنجارها و قواعد بین‌المللی (که حاصل تجربه بشری است) و، همراه با آن، گفتگو و مذاکره شفاف با نمایندگان و رهبران جنبش‌های اجتماعی و سیاسی موجود و نیز ایجاد فضای امن از طریق رفع حصر از رهبران جنبش مدنی، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی به‌ویژه زنان و مادران زندانی و فراهم آوردن امنیت لازم برای فعالیت‌های آزادانه مدنی و گشایش فضای جامعه مدنی کشور است.

بی‌شک فراهم آوردن زندگی شایسته انسانی در فضای غیرخشونت‌آمیز برای زنان و مردان و کودکان و نسل‌های حال و آینده کشورمان نه تنها در گرو «اهدافی مصلحانه» که نیازمند روش‌هایی غیرخصمانه و مداراجویانه در سطح بین‌المللی و در سطح ملی است و چنین زیست و زندگی آرزوی ماست.

امضاء کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

آمنه کرمی
اعظم اکبر زاده
اکرم مصباح
الیه مجردی
بحجت رضایی
بنفشه حجازی

پروین ضرابی
ثریا یوسفی
جمیلہ محمدی
خدیجہ بابایان
دخی دوشا
رخشان بنی اعتماد
روبان تبریزی
زہرا حیدرزادہ
زہرا زینالی پور
زہرا میرزایی
ژیلا بنی یعقوب
سارا محمدی
سودابہ کمالی
سوسن شعبانی
سونیا ترکمن
شہربانو امانی
شہلا فروزانفر
شہلا لاهیجی
شہین خاک نگار
شہین علوی
صادقہ شیردل
صدیقہ صیادی
طاہرہ طالقانی
طلعت تقی نیا
عالیہ مطلب زادہ
فاطمہ گوارایی
فخرالسادات محنتشمی پور
فخری شادفر
فخری نامی
فرحناز مینایی پور
فرخندہ جبارزادگان
فرزانه طاهری
فرزانه محجوب
فرشته جمشیدی
فریدہ غایب
فریدہ فرارکوه
فریدہ ماشینی
فیروزہ صابر
گوهر شمیرانی
لیلا اییکچی
مریم جان پناه
مریم قدس
مزگان تقی نیا
معصومہ دھقان
منصورہ حمصیان
منصورہ خسرو شاہی
منصورہ مسعودی
مینو مرتاضی لنگرودی

ناھید توسلی
نرگس حمیدی
نرگس محمدی
نسرین ملکی
نوشین احمدی خراسانی
نیلوفر کشمیری
وجیہہ خوش بین